ترسیم تفاوت اهلال هلال با طلوع فجر و غروب؛ تفاوت حرکات سه گانه

(10:45)

علی ای ّحال در اینجا موضوع حکم چیست؟ آن چیزی است که ما می‌بینیم یا واقعیت است؟ فرمودهاند موضوع حکم همان چیزی است که ما می‌بینیم. خب در اینجا آیا تفاوت نیست؟ یک مطلب را شاید حدود پنجاه بار گفته باشم. در ذهن قاصر من خیلی پررنگ است. الآن ببینید طلوع و غروب ربطی به جرم خورشید پیدا نکرد. حال یا سه دقیقه، یا آن هشت دقیقه را به آن ضمیمه بکنیم یا نکنیم. علی ای ّحال جرم، کاره ای نیست. آن چه که موضوع حکم است، نوری است که به چشم ما می‌رسد. مثل لایه‌ای مقمره. دیروز هم جزوه‌ای به من دادند و فرمودند چند نفر از اعزّه روی مطالب آن بحث کردند و تحقیق کردند. مهمیزه اصلی فرمایششان این است که حتی فجر را هم از موضوع بودن خارج می‌کنند. فرمودند چون توقیت است، حرکت منظم موضوع توقیت است. فجر هم طریق به آن حرکت منظم است. لذا حتی خود فجر هم موضوع نیست. این محوری‌ترین فرمایششان است. البته اینکه در لایه‌ای مقمره هوا روشن می‌شود را جزء موانع ثبوتی گرفته‌اند. موانع اثباتی ابر و غبار است، موانع ثبوتی ضوء قمر است.

خب آیا واقعاً ًمانع ثبوتی است اینکه قمر نورش زیاد است، قابل بحث بوددر اینکه نور فجر ثبوت دارد اما مانع ثبوتی ندارد و آن هم یک جور مانع اثباتی است.

مثال خوبی هم زده‌اندکه برای فکر کردن در مانحن فیه خوب است. فرموده‌اند «کسوف عند الفجر»؛ وقتی کسوف صورت می‌گردد و خورشید می‌گیری خالصه یک جای کره زمین وقت طلوع فجر است، یک جا طلوع آفتاب است و یک جا ظهر است. کره هر بیست و چهار ساعت را دارد. وقتی خورشید منکسف می‌شود یک جایی وقت طلوع فجرش است. چون اصل نور خورشید نیست، خیلی با اینجا فرق دارد که بگوییم ماه نمی‌گذارد ای نور را از بین می‌برد. اصلاً ًنوری نیست. خب خورشید منکسف است و قهرا به جو نمی تابد و فجر صادق محقق نمی‌شود. چون الآن خورشید در وقت انکساف است. این هم مانعی خدائی است و مال آسمان است این که دیگر ربطی به ابر ندارد. کدام متشرّعه ای هست که بگوید: چون امروز وقت طلوع فجر، خورشید گرفته و فجر طالع نمی‌شود، پس نمازم صبح اشکالی ندارد و روزه را هم بخوردی تا وقتی که خورشید بیرون بیایی! این مثال را هم فرموده‌اند. بحث را جلو می‌برد. اینجا مانع ثبوتی است. قبول است. اما در طلوع قمر مانع ثبوتی نیست. نور فجر می‌آید. اما اینجا مانع ثبوتی هست. یعنی ماه جلوی نور خورشید را می‌گیری و اصلاً ًاین نور در جو نمی افتد تا فجر صادق تشکیل بشود. اینجا باید چه بگوییم؟ لذا فرموده‌اند خود فجر هم طریق است، اماره است بر آن حرکت منظم. این حرکت منظم است که توقیت را می‌آورد. در برخی از این مطالبی که فرموده‌اند سؤالات و ان قلت هایی می‌آید، من اشاره کردم.

آن چه که الآن تأکید عرض من است، این است که ما در اینجا بالذات و بالعرض خیلی نزدیک هم هستند و با هم مخلوط می‌شوند. ببینید این جور نیست که بگوییم چون «طلعت الشمس» و

زوال به دید ام مربوط می‌شود، اهالل هالل هم همینطور باشد. خیلی تفاوت هست. ببینید راسم و مسبّب کی آثار خیلی مهم است. یک چیز چیزی را می‌آورد، به دیگری نسبت داده بشود. ای در مالبست با دیگری حمل بالعرض صورت بگیرد. نباید اینها در بحث علمی مخلوط بشود. سه حرکت است؛ حرکت وضعی زمین که یک دور به دور خودش می‌گردد. یکی هم حرکت ماه به دور زمین است. یکی هم حرکت زمین به دور خورشید است. سه تا حرکت است. واقعاً سه کار تکوینی است. سه حرکت تکوینی است. لذا زمان خاص خودش را دارد و گفتم می‌توانید روی خط زمان آنها را باز کنید. بگویم بیست و نه روز و دوازده ساعت. بیست و چهار ساعت را باز کنید و بگویید یک شبانه‌روز است. بعد بیست و نه شبانه‌روز را که روی خط شبانه‌روز غلطاندید می‌بینید عدد صحیح نیست. همچنین در سیصد و شصت و پنج روز و شش ساعتی که در سال شمسی هست.

خب اگر سه حرکت است، آن چه که برای ما بسیار مهم است، این است: هر حرکتی راسم یک آثاری است. هر حرکتی بالذات برای خودش آثاری دارد. حالا با واضحات جلو برویم. شب و روز، مطالع و مغارب را داریم، راسم اینها کدام حرکت است؟ حرکت وضعی زمین است. در هیئت قدیم حرکت اولی می‌گفتند که برای فلک اطلس است. راسم معدل النهار است. الآن استواء سماوی می‌گویند. حرکت وضعی زمین راسم اینها است. حرکت اولی است که شب و روز و طلوع و غروب و مطالع را درست می‌کند. الآن در اینجا حرکات دیگری هست که اموری دیگری را پدید می‌آورد. نباید اینها با هم مخلوط بشود.

سؤال این است: آیا گردش کره زمین، مطالع و مغارب، شرق و غرب و زوال و طلوع و غروب، اهالل هالل را می‌آورد؟ اینها إهالل هالل را می آورند؟ اگر این را بگویید بالذات و بالعرض را مخلوط کرده‌اید. چون اهالل هالل که ربطی به این گردش وضعی زمین ندارد. زمین دارد می‌گردد و قمر هم در مدار خودش است؛

«کلّ في فَلَکٍ یَسبَحُونَ»[1]؛ این هم دارد در مدار خودش می‌رود. اگر شما بگویید شب اول حرکت قمر، شب برای این زمین است و آن حرکت برای خودش است. در اینجا دارید برچسب زنی می‌کنید؛ شب و روزی که راسمش حرکت وضعی است، دارید اثر این حرکت را با قوس قمر تطبیق می‌دهید. اهالل هالل برای کدام یک از اینها است؟ وقتی شما می‌گویید هالل هالل شد، یعنی حرکت وضعی زمین آن را تشکیل داد و آورد؟! اصلاً اینطور نیست. این یک چیز مبهمی نیست که حالا بگویم چون هالل را باید ببینیم پس به آفاق مربوط می‌شود، همانطور که طلوع و غروب و زوال برای آفاق و مردم است و موضوع شرعی است، هالل را هم باید ببینیم، هر کجا ندیدیم اهالل هالل نشده و هر کجا دیدیم اهالل هالل شده است. درحالی‌که اینها دو جور است؛ نمی‌توانیم این را با آن مقایسه کنیم. چون راسم اهالل هالل حرکت خود جرم قمر در مدار خودش است. او این را پدید می‌آورد. بعداً در آفاق زمین آن را می‌بینند. نه اینکه حرکت وضعی زمین راسم پدیده‌ای به نام اهالل هالل باشد. چون زمین دور می‌زند اهالل هالل می‌شود! و مردم آن را در مطالع مختلف می‌بینند! اینها نکات مهمی در مانحن فیه است.

شاگرد: اگر بگویند در حرکت وضعی زمین هم خصوص این حرکت، شب و روز را درست نمی‌کند، این حرکت رو به خورشید است که آن را درست می‌کند. مثلاً نکاتی را که می‌خواهید در مورد دیدن خورشید بگویید، حالا در مورد ماه بگویید. فارق اینها چه می‌شود؟

استاد: نور را می‌خواهید بگویید؟

شاگرد: فرض کنید در یک خلائی که رو به خورشید نباشد زمین بچرخد حرکت وضعی که روز و شب درست نمی‌کند. بلکه حرکت وضعی چون در مقابل خورشید می‌چرخد روز و شب درست می‌کند. ولذا وقتی می‌گوییم «طلعت الشمس»، بالأخره با خود آن شمس هم کار داریم. خب اگر اینطور سؤال کند که تفاوت اینها چه می‌شود؟

استاد: ببینید اگر زمین حرکت وضعی نداشت، نصفش همیشه روز بود و نصف دیگرش همیشه شب بود. نه مطالعی داشتیم و نه مغاربی داشتیم.

شاگرد: فارقش چیست؟

استاد: ببینید هر حرکتی راسم مسیری است که آثار، بالذات بر آن بار میشود. اگر حرکت وضعی را بردارید چه چیزی از بین میرود؟ شب و روز مطالعی و مغاربی از بین میرود. درست است، وقتی شما خورشید را در نظر میگیرید، اصل وجود روز برای این است که خورشیدی را در نظر گرفتهاید. اصل وجود شب برای این است که خورشیدی را در نظر گرفتهاید. خب ثم اذا؟! ام روز و شبی را میگوییم که طلوع و غروب دارد. زوال دارد. «و□خ□تلۡف□لّيۡل□و□لنّ[2]» اختلاف یعنی پی در پی آمدن. «و َهُوَ ٱلَّذِي جَعَلَ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ خِلۡفَةً»[3]؛ «خلفة» به این معنا است. جانشینی هم و پشت سر هم میآیند. در چنین فضایی شب و روزی که «خلفة» هستند و جانشینی هم میشوند و مطالع و مغارب و طلوع را تشکیل میدهند، چه چیزی اینها را میآورد؟ شمس؟! اگر این حرکت هم نبود که شمس یک روز را درست میکرد. آن چه که این شب و روز را با این خصوصیات میآورد، تنها و تنها حرکت وضعی زمین است. یعنی همانی که قدیم ها میگفتند فلک اطلس، حرکت اولی از شرق به غرب. حرکت ثانیه را حرکت علی التوالی میگفتند؛ یعنی توالی بروج که برعکس میشود. از غرب به شرق است. حرکت اولی را که شرق به غرب است، دو-سه مورد داشتند؛ جوزهر قمر بود، فلک اطلس بود، شاید یکی-دو مورد دیگر هم بود که حرکت از شرق به غرب داشتند. بقیه همه حرکت توالی داشتند؛ یعنی حرکت از غرب به شرق.الآن شما که هلال را در اینجا میبینید، فردا غروب که دوباره استهلال میکنید، می بینید از غرب به شرق آمده. به این حرکت به توالی میگوییم. از غرب به شرق میآید؛ توالی بروج حمل و ثور و جوزا و .... به این صورت جلو میرود. توالی، یعنی توالی بروج همان جور که هستند. خود همین بروج، در حرکت اولی، اول برج عقرب غروب میکند و بعد قوس، غروب میکند. یعنی خود غروب بروج هم بر خلاف توالی است. برعکس است. اول حمل غروب میکند و بعد ثور است. و حال اینکه ثور بعد از حمل است؛ وقتی میخواهد در حرکت بیست و هفت هزار ساله برود، طور دیگری عبور میکند. مثلاً اول حمل از نقطه اعتدال عبور کرده و بعد حوت دارد میآید.

شاگرد: ما حصل فرمایش شما این شد که چون در روز و شب حرکت وضعی داریم و بالأخره ولو به نحو جزء العلة این مغارب و مشارق زمین در طلوع و غروب تأثیر دارند، آن جا میگویید نور آفتاب دخیل است. ولی در مثل قمر چون ربطی به مشارق و مغارب زمین ندارد، خودش معیار است.

استاد: ببینید آن چه که اساس عرض من است، هر حرکتی بالدقه خودش چیزهایی را پدید میآورد. این آثار خود آن در مانحن فیه مهم است. آیا حرکت وضعی زمین است که هلال را پدید میآورد؟ اینکه زمین آفاق و مشارق و مغارب دارد هلال را پدید میآورد؟ ای نه، حرکت وضعی زمین است که مطالع و مغارب و طلوع را پدید میآورد؟ این خوب است. حرکت وضعی زمین نیست که هلال را پدید میآورد. ولو تطبیقش بدهید.

شاگرد۲: اینکه قبلاً زمین را نقطه در نظر گرفته بودید، در جواب همین بود. اگر زمین را نقطه در نظر بگیریم همیشه خورشید را نورانی میبینیم ولی ماه را گاهی بهصورت هلال.

استاد: بله، درست است.

---

[1] الانبیاء۳۳

[2] آل عمران ۱۹۰

[3] فرقان ۶۲

بازبینی #2
ایجاد شده 15 ژانویه 2026 11:14:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 ژانویه 2026 11:42:08 توسط ... .